

تحلیل واقعه سفرنامه روحی نظامی در مخزن الاسرار نظامی

فاطمه امامی^۱



تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۸

چکیده

هدف مقاله حاضر آن است تا نشان دهد اولین اثر و شاید بتوان گفت مهم‌ترین اثر نظامی که بیشتر محققان معتقدند ساختار بسیار پیچیده‌ای دارد کتاب مخزن الاسرار است. نظامی هنگام سرودن این اثر مشغول ریاضت بدن و تهذیب و تصفیه روح و مراقبت در اعمال دین بوده است و کتاب، حاصل چله نشینی وی است. نظامی در این اثر بیشتر از هر چیز به متافیزیک توجه داشته است یعنی به اندازه توجه به هنر و ارکان زیبایی شعر، به اندیشه نیز توجه داشته است اندیشه‌ای که بزرگ‌ترین کارکرد آن رسیدن به معرفت و خودشناسی و شناخت حقیقت هستی بوده است. وی از دیدار نفس یا همزاد یا فرشته آسمانی خویش و تجربه‌های عرفانی خود سخن می‌گوید توجه او در کل اثر به عدد چهل موید این موضوع است. او در این اثر از دو سفر یاد می‌کند سفر به درون دل و نوعی معراج.

کلید واژه: نظامی، مخزن الاسرار، متافیزیک، ریاضت، معرفت، عدد چهل، سفر، دل، دیدار با

همزاد، معراج.

مقدمه

قرن ششم، قرن گسترش اندیشه‌های عرفانی و صوفی‌گری است. تصوف با رشد و گسترش خود، در این قرن، بر شعر فارسی تاثیر گذاشت و با آن درآمیخت. اندیشه‌های عرفانی در شعر رسوخ کرد و شاعران این اندیشه را در شعر خود آوردند. نظامی گنجوی از جمله این شاعران است که منظومه حکمی و عرفانی خود مخزن الاسرار را تحت تاثیر این تفکر سرود.

اولین مثنوی نظامی مخزن الاسرار است. مخزن الاسرار شامل ۲۲۶۰ بیت است در بحر سریع. این مثنوی در حدود سال ۵۷۰ به نام فخرالدین بهرام شاه بن داود به نظم درآمد و مشتمل بر بیست مقاله در مواعظ و حکم است حاوی اندیشه‌های زاهدانه و عارفانه، خودشناسی و خدانشناسی. وی برای تاثیر گذاری بیشتر بعد از هر مقاله داستانی کوتاه اما پر محتوا و دلنشین روایت کرده است. نظامی در مخزن الاسرار به ریاضت و چله‌نشینی خود اشاره دارد. " او در زمان سرودن مخزن الاسرار اشتغال به ریاضت بدن و تهذیب نفس و تصفیه باطن داشته است. " (شهابی ۴۵: ۱۳۳۴)

او برای نام گذاری اثر دقت فراوانی داشته است آن چنان که در بیتی از کتاب خود نام اثر را نیز می‌آورد:

مایه درویشی و شاهی درو پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مخزن اسرار الهی درو
(ص ۳۵ ب ۱۴)

اهمیتی که وی برای دل قائل است نشان از تاثیر پذیری از اندیشه‌های عارفانه دارد. وی به سیر و سلوکی درونی می‌پردازد و ریاضت او را در این راه دل بر عهده می‌گیرد و ریاض او دل است.

با توجه به بسامد پر تکرار دل در کتاب مخزن الاسرار موضوع محوری اثر دل است و نظامی دل را جایگاه و مخزن اسرار می‌داند. نظامی اثر خود را زمانی تالیف کرده است

با توجه به این که یکی از اهداف این پژوهش اثبات معراج گونه‌ای برای نظامی است، شاید بهتر باشد برای ورود به بحث از دیدگاه نظامی نسبت به ارتباط بین شاعران و پیغمبران آغاز کنیم. آن جا که نظامی در بیتی شاعران را دنباله رو انبیا می‌داند.

پیش و پسی بست صف کبریا پس شعرا آمد و پیش انبیا

(ص ۴۷:ب ۴)

این بیت از نظامی، نماینده جهان بینی بخش عظیمی از ادیبان و اندیش‌مندان ایران است. در تمدنی که نهاد شعر را تا حد مرزهای نبوت پیش می‌برد، هیچ بعید نیست که سرشناس‌ترین متفکرانش برای بیان منویات خود دست به دامان شعر شوند. به راستی اگر "نوشته‌های خیال‌انگیز و خیال‌انگیز" را از بدنه فرهنگی ایران جدا کنیم، چه مقدار میراث فرهنگی و فکری مان باقی خواهد ماند؟ آیا مثلا می‌توان گفت در مثنوی‌های عرفانی، طرف اندیشه کمتر از جانب هنری اهمیت دارد؟ یا عکس این قضیه درست است؟ چه کسی می‌تواند ادعا کند، جانب اندیشه ورزی مخزن الاسرار کمتر از طرف هنری آن است؟ اندیشه و هنر دو بال پرواز شاهکارهای ادبی فارسی است. برای ما جالب است که بدانیم فیلسوفان در مواجهه فکری و عاطفی با چنین نهاد پیچیده و سرنوشت‌سازی چه واکنشی از خود نشان داده‌اند. آیا او در این اثر رویی هم به متافیزیک داشته است؟

جستجو در متن‌های فلسفی نشان می‌دهد که قوه متخیله رویی هم به متافیزیک دارد و در این صورت، شعر یک وجه متافیزیک هم پیدا می‌کند. به اعتقاد فیلسوفان، هم جهان رویه‌ای غیر مادی و متافیزیکی دارد و هم وجود آدمی. این دو بخش می‌توانند با یکدیگر مکالمه داشته باشند و لحظه دیدار جهان جان با جان جهان یکی از دلکش‌ترین صحنه‌هایی است که در متون شعری صورت عینی پیدا می‌کند. آن‌ها می‌گویند اتصال با جغرافیای متافیزیک از کارکردهای قوه متخیله است. برخی انسان‌ها در برخی شرایط

شاعر، توجه به عالم متافیزیک و رسیدن به معرفت بوده‌است. و به دنبال آن دغدغه مولف توجه به این موضوع است که مخزن‌الاسرار حاصل الهامات شخصی شاعر است الهاماتی که در نتیجه ریاضت‌های شاعر و حاصل تهذیب و تصفیه روح او بوده‌است. سلوک سالک سفری معنوی است و در این سفر مراحل را قطع می‌کند و از منازل می‌گذرد. هر مرحله مقامی است که سالک به آن در می‌آید و پس از آن که در یک مقام به کمال رسید به مقام برتر می‌رود سالک در لغت به معنی رفتار کننده و طی کننده راه است و در اصطلاح صوفیه به آن صوفی اطلاق می‌شود که از خود به جانب حق گام بر می‌دارد و طالب تقرب پیشگاه الله است. در این سفر نظامی سالک است و این سفر برای خود او اتفاق می‌افتد.

چون علم لشکر دل یافتم
روی خود از عالمیان تافتم
(ص ۵۱:ب ۸)

سالک و مسافر کسی است که شهوات طبیعی و مالوفات جسمانی را رها کند و از لباس صفات بشری بیرون آید و از تیرگی تعین خودی که حجاب حقیقت است صافی گردد. او اولین حرکت خود را برای این کمال، روی از عالمیان تافتن می‌داند. سفر به پای دل و باطن (سیر انفسی) که به قصد دیدار سر منزل معشوق جاوید انجام می‌گیرد و با ریاضت‌های فراوان و تهذیب نفس برای مسافر راه حق و حقیقت همراه است تا با دلی آینه‌گون و پاک از ناپاکی و کدورت‌ها به دیدار محبوب ازلی‌اش بشتابد. نظامی از عبادت‌ها و ریاضت‌های خود چنین یاد می‌کند:

چون که ندیدم ز ریاضت‌گزیر
گشتم از آن خواجه ریاضت‌پذیر
ریاض من چون ادب آغاز کرد
از گره نه فلکم باز کرد
(ص ۵۲:ب ۵-۷)

این اتفاق با عدد چهل در ارتباط است شاید در طول چهل روز روی می‌دهد به

همین دلیل در طول اثر بارها با این عدد رو برو می‌شویم.

عدد چهل:

شاید بهتر باشد در این بخش به بررسی عدد چهل از دیدگاه آن ماری شیمل پردازیم.

"چهل، عدد انتظار آزمایش و تنبیه است که بدون شک جنبه نخستین آن، یعنی انتظار، کمتر شناخته شده و درعین حال از همه مهم‌تر است. به زعم رنه آلدنه، عدد چهل، نشانه به پایان رسیدن یک دوره تاریخ است. دوره‌ای که می‌باید نه فقط به تکرار بلکه به تغییری اساسی و گذر از نظام عملی یک زندگی به زندگی دیگر منتهی می‌شود. عدد چهل، انتظار، تمامیت و کمال را در خود جای داده است و بنابراین کمال انسان شخص و آغاز دوره‌ای تازه را نشان می‌دهد." (شیمل: ۲۶۸، ۱۳۸۹) شاید این اثر نیز مایه انتظار، تمامیت و کمال برای نظامی بوده است.

اشاره نظامی به عدد چهل در بیت‌های مخزن الاسرار:

عدد چهل به شکل‌های مختلف در مخزن الاسرار دیده می‌شود. نظامی ریاضت‌های خود را با یک چله نشینی آغاز می‌کند و در جای جای اثر خود به عدد چهل اشاره می‌کند.

یک کف پست تو به صحرای عشق
برگ چهل روزه تماشای عشق

(ص ۳۰: ب ۹)

طبع که با عقل به دل‌الگیست
منتظر نقد چهل سالگیست

(ص ۴۸: ب ۶)

تا به چهل سال که بالغ شود
خرج سفرهاش مبالغ شود

(ص ۴۸: ب ۷)

یار کتون بایدت افسون مخوان درس چهل سالگی اکنون مخوان
(ص ۴۸:ب ۸)

طفل چهل روزه کژ مژ زبان پیر چهل ساله برو درس خوان
(ص ۷۱:ب ۱)

این تفکر تا جایی پیش می‌رود که اگر تن را ریاضت دهند و چنانکه معمول عرفا
بوده است چهل روز به این کار پردازند جسم آنان چون جان پاکیزه می‌شود.

جسمت را پاک‌تر از جان کنی چون که چهل روز به زندان کنی
(ص ۱۰۷:ب ۳)

عدد چهل به صورت تخلص:

کاربرد دیگر عدد چهل در اثر این که نظامی نام خود را چهل مرتبه در متن
آورده است. او در پایان هر مبحث نام خود را می‌آورد. نام نظامی نمایان‌گر اتمام بخشی
از سخن شاعر است و معمولاً در پایان هر بخش با کاربرد تخلص گونه "نظامی" به
تمام شدن سخن و مقاله اشاره می‌کند.

بیست مرتبه در پایان مباحث مختلف و بیست مرتبه نیز در پایان حکایت‌های
بیست مقاله نام نظامی را می‌بینیم که با هم عدد چهل را می‌سازد. توجه داشته باشیم
بیست مقاله تنها بیست حکایت دارد باز هم عدد چهل.

عدد چهل در فهرست مطالب مخزن الاسرار:

از سوی دیگر با توجه و دقت در فهرست اثر، میتوان دید که مخزن الاسرار از دو
بخش بیست‌تایی کاملاً جداگانه تشکیل یافته است که باز عدد چهل را می‌سازد:

شاید فهرست مطالبی که مورد نظر نظامی بوده است از دو بخش تشکیل شده باشد.

بخش اول: موضوعات این بخش بیست موضوع پراکنده است.

بخش دوم: بیست مقاله در حکمت عملی.

ابیاتی که نظامی نام خود را مانند تخلص در قسمت‌های مختلف اثر آورده است عبارتند از:

۱ - خاک نظامی که به تایید اوست مزرعه دانه توحید اوست
(ص:۷ب:۵)

۲ - بنده نظامی که یکی گوی اوست در دو جهان خاک سر کوی او
(ص:۱۰ب:۸)

۳- ای شرف نام نظامی به تو خواجگی اوست غلامی به تو
(ص:۱۱ب:۱۷)

۴ - چون تگ ابلق به تمامی رسید غاشیه داری به نظامی رسید
(ص:۱۴ب:۲)

۵ - دور سخا را به تمامی رسان ختم سخن را به نظامی رسان
(ص:۱۹ب:۱۵)

و بیت‌های ۶- (ص ۲۲، ب ۳) و ۷- (ص ۲۵، ب ۲) و ۸- (ص ۲۷، ب ۳) و ۹- (ص ۳۰، ب ۱۲) و ۱۰- (ص ۳۵، ب ۲) و ۱۱- (ص ۳۷، ب ۵) و ۱۲- (ص ۳۷، ب ۸) و ۱۳- (ص ۴۰، ب ۸) و ۱۴- (ص ۴۵، ب ۹) و ۱۵- (ص ۵۲، ب ۴) و ۱۶- (ص ۵۸، ب ۱۰) و ۱۷- (ص ۶۱، ب ۸) و ۱۸- (ص ۶۱، ب ۹) و ۱۹- (ص ۶۶، ب ۴) و ۲۰- (ص ۶۹، ب ۱۴)

برای توضیح باید به سه نکته اشاره کرد:

۱- در بخش پایانی " در مدح ملک فخر الدین بهرام شاه " از تخلص نظامی اثری دیده نمی‌شود.

۲- در بخش "در مقام و مرتبت این نامه " در دو بیت مستقل دو مرتبه نام نظامی را می‌آورد. شاید این تاکید برای این باشد که همه این اتفاقات برای خود نظامی روی داده است.

۳- در بخش "ثمره خلوت اول" در بیت تخلص دو مرتبه نام نظامی را می‌آورد. تکرار نام نظامی در یک بیت هم شاید به دلیل اهمیت این بخش برای نظامی باشد. در کل بیست مرتبه نام نظامی تکرار شده است.

در پایان هر حکایت نیز این ساختار دیده می‌شود یعنی در پایان هر حکایت از بیست مقاله، نظامی نام خود را در بیتی می‌آورد.

۱- یا چو غریبان پی ره توشه گیر یا چو نظامی ز جهان گوشه گیرد
(ص ۷۷: ب ۳)

۲- گر به سخن کار میسر شدی کار نظامی به فلک بر شدی
(ص ۸۳: ب ۸)

۳- ناز نگویم که ز خامی بود ناز کشی کار نظامی بود
(ص ۸۹: ب ۱)

۴- خیز نظامی ز حد افزون گری بر دل خوناب شده خون گری
(ص ۹۳: ب ۷)

۵- چند نظامی در دینی زنی؟ خیز و در دین زن، اگر میزنی
(ص ۹۸: ب ۱۱)

و بیت‌های ۶- (ص ۱۰۵، ب ۶) و ۷- (ص ۱۱۰، ب ۸) و ۸- (ص ۱۱۶، ب ۸) و ۹- (ص ۱۲۱، ب ۶) و ۱۰- (ص ۱۲۷، ب ۵) و ۱۱- (ص ۱۳۱، ب ۱۵) و ۱۲- (ص ۱۳۷، ب ۹) و ۱۳- (ص ۱۴۳، ب ۳) و ۱۴- (ص ۱۴۷، ب ۱۸) و ۱۵- (ص ۱۵۲، ب ۳) و ۱۶- (ص ۱۵۶، ب ۱) و ۱۷- (ص ۱۶۱، ب ۱۰) و ۱۸- (ص ۱۶۷، ب ۶) و ۱۹- (ص ۱۷۳، ب ۱۰) و ۲۰- (ص ۱۷۸، ب ۶)

در این بخش نیز نظامی بیست مرتبه نام خود را می‌آورد. البته باید یاد آور شد که:

۱- در حکایت مقاله یازدهم دو مرتبه نام نظامی در تخلص آمده است. با توجه به فحوای سخن یعنی رهیدن از نظامی، وی حذف یکی از این نظامی‌ها را خواهان است.

می‌رسد که باید به آن بیشتر پرداخته شود.

پانصد و هفتاد بس ایام خواب روز بلند است، به مجلس شتاب در این بیت روی سخن نظامی به پیغمبر است. وی از پیغمبر می‌خواهد که پس از پانصد و هفتاد سال از خواب بیدار شود. کدام خواب؟ احتمالاً اشاره به مرگ پیغمبر دارد که در زمان تالیف اثر ۵۷۰ سال از آن می‌گذشته است.

نظامی در این مرحله به ثنای ملک بهرام شاه و ترتیب و چگونگی نظم کتاب و فضل و فضیلت سخن و وصف سخن و سخندان پرداخته است. پس از آن به "شناختن دل" که منظور اصلی و هدف نهایی وی از سرودن این مثنوی است می‌پردازد. از بحث و مطالعه در اشعار مخزن الاسرار که حاوی موضوعات فلسفی و اخلاقی و دینی است چنان برمی‌آید که توجه شاعر در این مثنوی بیشتر به گوهر تابناک "دل" است.

سفر نظامی به دل

نظامی از سفری که برای خود او رخ داده این گونه یاد می‌کند:

این سفر از راه یقین رفته‌ام / راه چنین رو که چنین رفته‌ام
هم سفران جاهل و من نو سفر / غربتم از بی کسیم تلخ‌تر
در این بخش از مثنوی، شاعر عارف به زبان رمز از سفری که برای خود او اتفاق افتاده سخن می‌گوید و مشاهدات خویش را در حالت خاص مراقبه و ذکر بیان می‌کند و از نشستن به ذکر و دم عارفانه در یک شب خلوت و یافتن راه دل و رسیدن به مشاهده مربوط به شب قدر خویش را به نظم می‌کشد. و از غروب یک روز آفتابی دلگیر و نگران‌کننده، وضع درونی خود و اوضاع بیرون از خویش و طبیعت گزارش می‌کند که این گزارش طبیعت و وصف شب تاریک، خود براعت استهلالی است بسیار پیچیده و راز دار ولیکن غرض اصلی شاعر روشن نیست برای همین به دقت

بیشتری نیاز دارد.

شاعر در چنین شبی با "سخن و اندیشه و نظم خود" به بحث می‌نشیند، "هاتف خلوت" در تنهایی شاعر به او می‌آموزد که چه کارهایی باید انجام دهد، و در این هدایت و راهنمایی است که راه ذکر شبانه و لزوم پیر معرفت را در زمان چهل سالگی شاعر به وی باز می‌گوید (شاعری که پیش از آن راه زهد خشک در پیش داشته و خود آموزگار حکمت سقراطی است). سروش غیبی او را به ترک دنیا دعوت می‌کند.

راهنمای سفر:

نظامی در این سفر سه راهنما دارد:

هاتف خلوت:

هاتف خلوت به من آواز داد: وام چنان کن که توان باز داد
(ص ۴۷:ب ۴)

دل:

دل به زبان گفت که: ای بی زبان مرغ طلب، بگذر از این آشیان
(ص ۵۱:ب ۹)

خواجه دل:

خواجه دل عهد مرا تازه کرد نام نظامی فلک آوازه کرد
(ص ۵۲:ب ۴)

خواجه گریبان چراغی گرفت دست منو دامن باغی گرفت
(ص ۵۳:ب ۶)

آغاز حرکت نظامی برای یک سفر روحانی:

من به چنین شب که چراغی نداشت بلبل آن روزه که باغی نداشت
خون جگر با سخن آمیختم آتش از آب جگر انگیختم

مطیع خویش می گرداند و از آنها می برد این دو سه یاری که تو داری ترند فاسقند و بر جای خشکیده اند و نمی توانند به عالم معنی و اسرار سفر کنند پس دست به فتراک دل باید زد و باید پیش دل خاک شوی تا از عالم اسرار آگاه گردی. بعد از این از آفرینش دل می گوید. و معتقد است که از آمیزش صورت و جان دل پدید می آید ترکیبی از اکد جسمانی و روحانی.

سپس نظامی می گوید:

چون سخن دل به دماغ رسید	روغن مغزم به چراغم رسید
گوش درین حلقه زبان ساختم	جان هدف هاتف جان ساختم
چرب زبان گشتم از آن فربهی	طبع ز شادی پر و از غم تهی
ریختم از چشمه چشم آب سرد	کاتش دل آب مرا گرم کرد
دست بر آوردم از آن دست بند	راهزنان عاجز و من زورمند
در تک آن راه دو منزل شدم	تا به یکی تک به در دل شدم

(ص ۴۹)

چون نام دل را شنیدم، از روغن مغز خود مانند چراغ فروزان شدم و جان را هدف هاتف جان ساختم راهزنان حواس عاجز و من زورمند بودم در آن راه دو منزل رفتم تا با یک تک به در دل رسیدم.

من سوی دل رفته و جان سوی لب	نیمه عمرم شده تا نیمه شب
بر در مقصوره روحانیم (دل)	گوی شده قامت چوگانیم
گوی به دست آمده چوگان من	دامن من گشته گریبان من
پای ز سر ساخته و سر ز پای	گوی صفت گشته و چوگان نمای
کار من از دست و من از خود شده	صد ز یکی دیده، یکی صد شده

حال ببینیم در این روز که خلوت اول نظامی در آن صورت گرفته چه اتفاقی می‌افتد.

خواجه گریبان چراغی گرفت دست من و دامن باغی گرفت
 دامنم از خار غم آسوده کرد تا به گریبان به گل آمده کرد
 (ص ۶۹: ب ۷۶)

خواجه دل (که پیر و مرشد اوست) چراغی به دست می‌گیرد و با دست دیگر، دست گیر نظامی می‌شود برای شروع مسیر، خواجه دل او را به باغی می‌برد که سرتاسر گل است و دامن او را از غم آسوده می‌کند و او را تا به گریبان سرشار از گل می‌کند. این اتفاق عیناً برای بها الدین نیز روی داده است.

"الله را دیدم که صد هزار ریاحین و گل و گلستان و سمن زرد و سپید و یاسمن پدید آورد و اجزای مرا گلزار گردانید". (فروزان فر، ۱۳۶۵: ۲۰)

این شعر منثور بهاء‌الدین ولد بیان تجربه‌ای روحی است که تلویحاً به حصول معرفتی بدون واسطه حس و عقل اشاره دارد.

این در واقع دیدار با خویشتن خویش است و نشان می‌دهد که این موضوع همانطور که مورد توجه دیگر عارفان قرن ششم بوده، از اشتغالات برجسته ذهن نظامی نیز بوده است.

نظامی در آنجا دچار حالاتی می‌شود از جمله، گریختن غم، شادی و حیرتی که موجب می‌شود او مانند گل پیرهن در تن چاک کند. تا این که اتفاقی برای او می‌افتد.

تا علم عشق به جایی رسید کز طرفی بوی وفایی رسید
 نکته بادی به زبان فصیح زنده دلم کرد چو باد مسیح
 (ص ۵۳: ب ۱۲)

منابع

کتابها

۱. بها الدین ولد (۱۳۵۲)، معارف، تصحیح بدیع الزمان فروزان فر، چاپ سوم، انتشارات طهوری.
۲. پورنامداریان، تقی (۱۳۸۲)، دیدار با سیمرغ، چاپ سوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. پورنامداریان، تقی (۱۳۸۶)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، چاپ ششم، انتشارات علمی فرهنگی.
۴. ثروتیان، بهروز (۱۳۷۰)، شرح مخزن الاسرار نظامی، چاپ اول، انتشارات برگ.
۵. حمیدیان، سعید (۱۳۸۰)، مخزن الاسرار حکیم نظامی گنجوی، چاپ پنجم، نشر قطره.
۶. زرقانی، سیدمهدی (۱۳۹۱)، بوطیقای کلاسیک، چاپ اول، انتشارات سخن.
۷. زنجانی، برات (۱۳۷۸)، احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷)، پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد، چاپ سوم، انتشارات سخن.
۹. شهابی، علی اکبر، (۱۳۳۴) نظامی شاعر داستان‌سرا، تهران، کتابخانه ابن سینا.
۱۰. شیمیل، آنه ماری (۱۳۹۰)، راز اعداد، ترجمه فاطمه توفیقی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۱. صفوی، سلمان، ساختار مثنوی معنوی.
۱۲. ماحوزی، مهدی (۱۳۸۹)، شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، چاپ اول، انتشارات زوار.

